

حضرت امیر المؤمنین علی؛
دو چیز مردم را هلاک کرده: ترس از نداری و
فخر طلبی.

اذان ظهر: ۱۱:۵۶ | غروب آفتاب: ۱۷:۵۶
اذان مغرب: ۱۸:۱۴ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۴
اذان صبح فردا: ۴:۳۲ | طلوع آفتاب فردا: ۵:۵۵

پدربزرگ آگهی: ۸۳۲۱۰۰۰
چاپ: همشهری
تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

توزیع و اشتراک:
موسسه نشرنگار امروزیون
تلفن: ۹۱۲۰۴۱۲۲

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قریبی، شماره ۱۴
کدپستی: ۱۹۶۶۶-۲۵۹۵۶ | تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
تلفن: ۲۲۰۴۰۶۰۶۷ | فکس: ۲۲۰۳۳۰۰۰

همشهری: www.hamshahronline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

صفحه آخر

صاحب امتیاز:
مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سرمدیر: دانیال معمار

سیاسی و دیپلماتیک:
مدیر: حسین ارجلو
شورنگار:
مدیر: پروانه بهرام نژاد
مدیر: مریم باقرپور

اقتصاد:
مدیر: حسین لطفی
مدیر: مریم موسی پور

تماشگر:
مدیر: امیر محمد یعقوب پور
مدیر: لیلی فرسند

ایرانشهر:
مدیر: بهرام عباسی
تندیسچی:
مدیر: سعید محمدی
مدیر: مریم سرخوش

فرهنگ شهر:
مدیر: بهیمه طباطبایی
گزارش:
مدیر: سید محمد میر
مدیر: فاطمه عسگری نیا
مدیر: سعید فرونی
مدیر: علیرضا محمودی
مدیر: جواد نصرتی

طرح و گرافیک:
مدیر: محمد علی حلیمی

پرچم بالای سر همه است

عکس های سربازی | چهره های سرشناس

کسی نمی داند چه حکایتی است که پدرها همیشه اصرار دارند بگویند سربازی آدم را مرد می کند. شاید می خواهند هر چه سرشان آمده، سر پسرشان هم بیاید تا بفهمد دنیا دست کیست و قرار نیست همیشه همان پسر لوس پدرشان باقی بماند. کسی هم نمی گوید بابا! تازگی ها این زندگی همینطوری هم آدم را مرد می کند. ولی این جادوگر مردساز که برای پسرها مثل زهر چشم شده، بی پروا برگرد یک خاطره ساز درست و حسابی است. این را دیگر همه مان قبول داریم که خاطره اش از خودش شیرین تر است. می شود چند ساعت با رفقا نشست، آنها را تعریف کرد، خندید و کیف کرد. اصلا معروف است که می گویند آدم ۲ سال می رود سربازی و به اندازه

فاطمه عباسی

۲۰ سال خاطره برای تعریف کردن دارد. این را هم قبول داریم که این دوران بوی شبیر دهن آدم را می گیرد و نظمی را که هیچ زوری تا آن موقع نتوانسته به آدم بدهد، می گذارد کف دست و یکپه به خودت می آید و می بینی واقعا چیزهای به درد بخوری یاد گرفته ای. سر شناس و گمنام هم ندارد. خلاصه که سربازی با همه سختی هایش، شیرینی های زیادی دارد و خیلی ها بعد از گذشت سال ها از دوران سربازی شان هم با دیدن عکس های یادگاری از آن دوران در کنار هم خدمتی هایشان، نفس عمیقی می کشند و می گویند: «یادش بخیر...»

این تصاویر از دوران خدمت برخی از چهره های معروفی است که شما می شناسید و دیدنشان خالی از لطف نیست.

منوچهر هادی کارگردان

رضا شفیعی چیم بازیگر تلویزیون

علی دایمی بازیگر پیشکسوت فوتبال ایران

امیر کرمانی زاده بازیگر سینما و تلویزیون

آرش نوشی بازیگر سینما و تلویزیون

مهدی سلطانی بازیگر سینما و تلویزیون

مثل برگ های پاییزی باشیم

وقتی سلام و علیک و احوالپرسی طولانی نیست؛ وقت شوخی های بازمه و بی مزه نیست؛ وقت اینکه هرطور شده کار را انجام دهیم، نیست. اما برخی انگار گوش شان به این حرف ها بدکار نیست و در این روزها که خیلی ها عجله دارند، اصلا بی خیال عالم و آدم هستند؛ همان هایی که یکبار هم ترمز می زنند تا با هم حمله ای شان، جاق سلامتی کنند؛ همان راکبان موتور سیکلتی که به جای دادن حواس به بچه مدرسه ای های توی کوچه و خیابان، نمکدان می شوند تا به رفیق یا آشنا نمک بریزند. یا همان هایی که سالی همین یک ماه ورود ممنوع رفتن شان می گیرد. ماه مهر اما ماه مراعات است. وقت سلام و علیک با بوق و تیکه انداختن به دوست از داخل ماشین، ترمزهای ناگهانی، ورود ممنوع رفتن و رد کردن چراغ قرمز حتی برای یک بار در سال نیست. وقت تمرکز است؛ وقت حفظ آرامش و یک دست تر بودن است.

مثل همین برگ های چترهای عزیز تهران که همزمان شروع به زرد شدن می کنند. شاید برخی بیشتر دوام بیاورد اما آن هم سرانجام زرد و خشک می شود و خواهد افتاد؛ یکی زودتر و یکی دیرتر. چه فرقی می کند وقتی سرنوشت و هدف یکی است. هیچ تفاوتی بین فرزند من با فرزند تو نیست؛ به هر دو می گویند دانش آموز.

یادمان باشد بسیاری از آنچه تصورش را هم نمی کردیم در زندگی مان رقم خورده، باز هم رقم خواهد خورد. چه بسا برگ زردی که زودتر از درخت خداحافظی کند، سفری طولانی، همراه با آب یک جوی پیش رو داشته باشد و در عوض برخی که بیشتر تر شاخه بمانند، آنی پس از افتادن، زیر پای یک بچه مدرسه ای خرد شود. کسی چه می داند که شاید آه همسایه مدرسه به خاطر بی ملاحظگی، کار ساز شود و شاید خدا پدر امرزی پشت ملاحظه کردن مان باشد. مهر، ماه مراعات است؛ وقت سلام به یک دست و همراه شدن با دیگران.

عکس روز

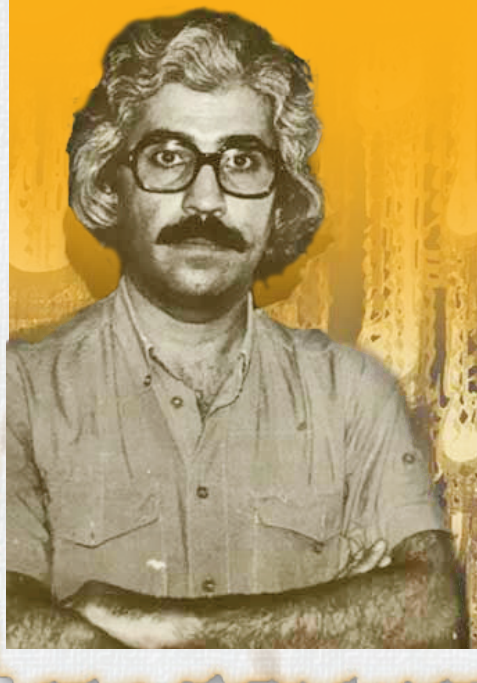
نمک از دل طبیعت

مردم جاجرم، به صورت سنتی نمکشان را از روستای کال شور می گیرند که با گذر از دل کویر و سیر شدن از نور خورشید، بلور نمک تولید می کند. عکس: ابریا



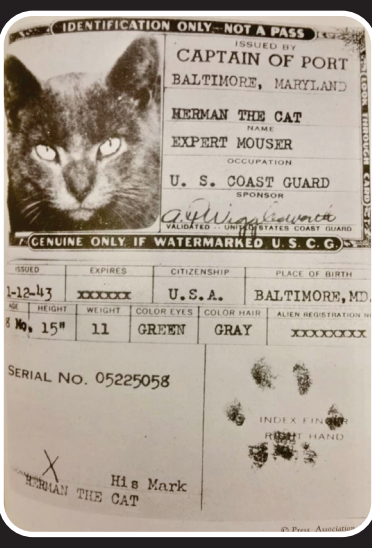
نقاش خطاط

پدربزرگش زرگر و حکاک بود. برادر بزرگ ترش هم نقاشی می کرد. پدرش که دید رضا هم نقاشی و خطاطی و بازی با حروف و کلمات را دوست دارد، او را پیش استاد فرستاد. رضا مدتی در شهر خودش مشهود ماند و بعد به تهران رفت. او شیوه میرزا غلام رضا امفغانی، خطاط قرن سیزدهم شمسی را پسندیده بود. حسین میر خانی، استادش در تهران و در انجمن خوشنویسان هم طرفدار همین شیوه بود. رضا مافی در کارهایش بیشتر از رنگ های سنتی و ایرانی استفاده می کرد. رنگ بیشتر تابلوهایش قهوه ای کهنه است و متن و نوشته ها پیش هم با همین رنگ و متمایل به سیاه. به خاطر همین کارهایش قدیمی بنظر می رسند و می شود تابلوهای او را به راحتی از بقیه تابلوها تشخیص داد. کارهای استاد مافی به عالم خطاطی حال و هوای دیگری داد. او هنر خطاطی و خوشنویسی



را به صورت «تابلو» در آورد و به این هنر، حالت «نمایشگاهی» داد و برای نخستین بار، خط نستعلیق را به شکل «خطاطی-نقاشی» رسم کرد. او در سن ۳۰ سالگی درباره رابطه بین خط و نقاشی هایش گفته بود: «هدف من زنده نگه داشتن خط زیبای نستعلیق است. تابلوهای من بر پایه های یک هنر اصیل و سنتی استوار است و از این روست که با فراغ بال جستجو می کنم، بی آنکه بخواهم بر بنده این هنر را بخشانم چرا که هدف آن احیا است، نه انهدام. فکر می کنم انواع خطوط و به ویژه خط نستعلیق از نظر فرم بسیار غنی است با فراز و نشیب ها و کشیدگی ها و دوایر آن که کاملاً حالات القایی زیادی را دربردارند.» مافی در طول زندگی هر چند کوتاه خود بیش از ۱۸۰۰ اثر خوشنویسی خلق کرد که بیشتر آنها سیاه مشق است. آخرین نمایشگاه آثار استاد مافی در سال ۵۸ هجری بزرگداشت «شهیدان راه آزادی» برپا شد. روز اول مهر سال ۶۱، استاد مافی که ۳۹ سال داشت، موقع اسب سواری دچار خونریزی مغزی شد. او روز چهارم مهر درگذشت و پیکرش را در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) به خاک سپردند.

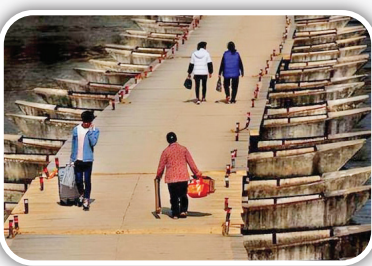
گره های ملوان!



در اواسط قرن بیستم، گره های نقش مهمی در کشتی هایی داشتند که ماه ها روی آب شناور بودند؛ گره هایی که شکارچیانی ماهر بودند و می توانستند ملوان ها را از شر جوندگان مثل موش، خالامی، حتی در آن روزگار، گاهی گره ها ارزش بیشتری نسبت به خدمه کشتی پیدا می کردند و همین موضوع باعث شده بود که در آن روزگار، صاحبان کشتی ها، به خصوص برای سفرهای خارجی، گذرنامه های برای گره ها همسفرشان فراهم کنند تا حضورشان را قانونی کنند. خلاصه اینکه در آن روزگار، صدور گذرنامه برای گره ها، امری متداول شده بود و به خصوص قبل از ترک لنگرگاه، ناخدای کشتی با استفاده از همین گذرنامه ها به سرشماری گره های کشتی اش می پرداخت و حاضر نبود اسکله را بدون گره هایش ترک کند. توصیف هر گره، کشیدن تصویر و ثبت اثر پنجه هایش روی گذرنامه گره های از موارد جذاب این گذرنامه ها بود که آنها را منحصر به فرد می کرد. در حالی که گذرنامه های گره های، حتی در آن روزگار هم قانونی نبود، اما به ندرت برای پیوند میان انسان ها و گره ها تبدیل شده بود، پیوند با گره های که با شکار موش های داخل کشتی ها، سلامت ملوانان را تضمین می کردند. با این حال بارشند فناوری و تولید سموم شیمیایی، وابستگی کشتی ها به گره ها روز به روز کمتر شد، اما خاطره این گره ها - سنان ملوان و گذر نامه هایشان همچنان در تاریخ جهان دریانوردی ثبت شده و مورد توجه علاقه مندان قرار دارد.

عکس خانه

جنجال پل شخصی در چین



این روزها حکم زندان یک مرد چینی که با هزینه خود، پلی خلاقانه را روی رودخانه ای در استان جیلین در شمال چین، ساخته، بحث اول شبکه های اجتماعی کشور چین شده است. ماجرا از این قرار است که حدود ۱۰ سال پیش، سیل، راه ارتباط روستای ژنلین در استان جیلین در شمال چین را قطع کرد و مردم این روستا کوچک مجبور بودند برای رسیدن به نزدیک ترین شهر، حدود ۷۰ کیلومتر راه را اضافه طی کنند تا به نزدیک ترین پل برسند. مقامات محلی هم ماجرای تخریب پل این روستا را به خاطر جمعیت کم، خیلی جدی نگرفتند و کاری برای ساخت پل جدید نکردند. تا اینکه یکی از اهالی روستا به نام «هوانگ دی» که قایقارن بود و یک کشتی کوچک هم داشت، همراه با تعدادی از روستاییان، ۱۳ قایق فلزی را به هم جوش دادند و با ابتکاری خلاقانه، پلی روی رودخانه روستا ساختند که حتی ماشین های سنگین هم می توانستند از روی آن عبور کنند. البته بعد از ساخت پل، هوانگ دی از کسانی که از روی این پل عبور می کردند، مبلغی ناچیز به عنوان عوارض دریافت می کرد تا هزینه های ساخت و تجهیز پل جبران شود که این کار چندان به مذاق مقامات محلی خوش نیامد. حالا و پس از شکایت مقامات محلی، دادگاهی در چین آقای دی را به اتهام سود غیرقانونی به ۲ سال زندان و ۲ سال حبس مشروط و پرداخت ۷ هزار و ۳۰۰ دلار رد مال محکوم کرده و دستور تخریب پل را داده است.